



بررسی عناصر اسلامی - فرهنگی در سرفصل برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی

ناصر آقابابائی*

چکیده

توجه روزافزون به عامل فرهنگ در ایجاد علم روان‌شناسی در ایران و آموزش آن رشته به ایرانیان، با برنامه‌ریزی درسی حساس به فرهنگ همخوان است. برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (مصوب سال ۱۳۹۱) یکی از سندهای مهم آموزش روان‌شناسی در ایران است که طراحان آن به فرهنگ توجه ویژه کرده‌اند؛ اما با گذشت ۱۰ سال از تصویب این سرفصل، بازبینی در آن لازم می‌نماید. پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کمی به بررسی مؤلفه‌های فرهنگی - اسلامی در برنامه یادشده پرداخت. نتایج پژوهش حاضر نشان داد گرچه جای درسی با عنوان «روان‌شناسی فرهنگی» در این برنامه خالی است سه عنوان درسی فرهنگی با محوریت آموزه‌های اسلامی و دانشمندان مسلمان در آن گنجانده شده است. حدود نیمی از کل ۶۹ درس این برنامه (شامل دروس اصلی / پایه، تخصصی و اختیاری) حاوی دست‌کم یک عنصر فرهنگی - اسلامی است؛ گرچه، توجه به فرهنگ و اسلام در بسیاری از موارد با گنجاندن واژه‌های فرهنگ و اسلام ناتمام مانده است. افزون بر این، جای خالی نام نظریه‌پردازان ایرانی معاصر و نظریه‌هایشان، ابزارهای روان‌سنجی ساخته‌شده توسط ایرانیان و مواردی از این دست در برنامه درسی‌ای که بومی‌سازی را سرلوحه خود قرار داده است جلب‌توجه می‌کند. بازنگری در برنامه درسی یادشده که فراتر از برنامه درسی صرف، سندی آموزشی در رشته روان‌شناسی است، نه فقط اقتضای افزودن درس روان‌شناسی فرهنگی را دارد بلکه توجه به محتوای واقعی روان‌شناسی فرهنگی در سرفصل سایر دروس و اهداف کل برنامه را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: رشته روان‌شناسی، روان‌شناسی فرهنگی، روان‌شناسی اسلامی، آموزش روان‌شناسی، برنامه درسی، فرهنگ، اسلام، ایران

* استادیار گروه علوم رفتاری، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم

اسلامی و انسانی (سمت) | naseragha@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

مقدمه

نظام آموزش عالی ایران در سه دهه گذشته با مشکلات متعددی روبرو شده است. گسترش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، افزایش تعداد دانشجویان و خیل عظیم دانش‌آموختگان بی‌کار، چالش‌هایی‌اند که نظام آموزش عالی را با مشکل مواجه کرده است (آقابائی، ۱۳۹۹). این چالش‌ها مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی را در نظام آموزش عالی اجتناب‌ناپذیر کرده و نظام دانشگاهی را وادار به بازاندیشی در ساختار، رسالت، هدف‌ها، کارکردها و فرایندهای خود کرده است. از آنجاکه دانشگاه از مهم‌ترین نهادهای جامعه برای رشد و توسعه است شفافیت، پاسخگویی و بهبود کیفیت در آن ضروری است. ضمن آن که سرعت افزایش اطلاعات در تمامی رشته‌ها، نیاز به بازنگری مداوم در برنامه‌های درسی را انکارناپذیر کرده است و از آن‌جا که انتظار می‌رود دانشگاه در روزآمد بودن اطلاعات، جزو نهادهای پیشرو باشد بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاهی یک ضرورت به شمار می‌آید. ارزشیابی نظام‌های آموزشی از راه‌های گوناگونی میسر است که اگر نظام‌مندتر انجام شود می‌تواند به افزایش کیفیت آموزش و رفع نیازهای آموزشی و علمی بیانجامد.

ارزشیابی برنامه درسی عبارت است از فرایند بررسی ارزش و شایستگی آن. این ارزشیابی شامل عناصر و جنبه‌های خاص برنامه درسی یا کل برنامه می‌شود. هدف ارزشیابی برنامه درسی عبارت است از: کمک به تصمیم‌گیری درباره برگزاری برنامه درسی، ادامه و گسترش یا اصلاح آن. ضروری است همه ابعاد و عناصر برنامه‌های درسی بررسی شوند و بر پایه این بررسی اصلاحات لازم در برنامه یا اجزای آن صورت گیرد. ارزشیابی اجزای برنامه درسی به ما کمک می‌کند کیفیت آن را تعیین و اصلاحات و تجدیدنظرهای لازم را انجام دهیم. از طریق ارزشیابی می‌توان کارایی برنامه‌های درسی را افزود و نظامی برای بهبود مستمر برنامه‌های درسی طراحی کرد (مؤمنی مهمویی، ۱۳۸۸). پژوهش حاضر به منظور بررسی برنامه درسی مقطع کارشناسی رشته روان‌شناسی انجام شده است؛ این بررسی بر توصیف عناصر فرهنگی - اسلامی متمرکز است.

طراحی و تدوین برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها بر پایه مبانی فلسفی اسلامی از ضرورت‌های عرصه علم و تربیت در ایران است. بی‌شک هر کشوری مطابق با فلسفه حاکم خودش تلاش می‌کند نوجوانان و جوانان خود را هم‌سو با آرمان‌ها و اهداف مقبول پرورش دهد تا بتواند جامعه مطلوب خود را ایجاد کند. در این عرصه، برنامه درسی وسیله تأثیرگذاری است که آثار و نتایج آن



به رفتار یادگیرنده تبدیل می‌شود و هویت معینی را ایجاد می‌کند. علوم انسانی با اندیشه انسان سروکار دارند و مستقیم و غیرمستقیم قادرند اندیشه‌ها و نگرش‌های مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهند. البته همه علوم انسانی با اسلام ارتباط ندارند (مثلاً آمار در زمره علوم انسانی معرفی می‌شود ولی ربطی به دین ندارد و کتاب و سنت بحثی درباره آن ندارند) بلکه رشته‌های خاص علوم انسانی (مانند روان‌شناسی) که وحی درباره مفاهیم و اصول آن‌ها تفسیر خاص دارد در زمره آن علوم انسانی محسوب می‌شود. علوم انسانی را علمی می‌دانیم که متعلق آن‌ها انسان است و با مسائل اعتقادی ارتباط دارند، با شناخت حقیقت انسان سروکار دارند و محورشان را وجود انسان و کمال نهایی او و راه رسیدن به آن تشکیل می‌دهد (ملکی، ۱۳۹۶).

همچنین تحکیم هویت ملی یکی از کارکردهای آموزش و پرورش است. آموزش عالی می‌تواند از طریق برنامه‌های درسی و فضای فرهنگی دانشگاه در ارتقای هویت ملی یا تضعیف آن نقش داشته باشد؛ اما آن‌گونه که رضایی، منصوری و عابدینی (۱۳۹۰) مدعی شدند، برنامه‌های درسی دانشگاهی عملاً تأثیری در تقویت یا تضعیف هویت ملی دانشجویان ایرانی ندارند. اصلی‌ترین مؤلفه‌های هویت فرهنگی عبارت‌اند از: اسطوره‌ها، مفاخر ادبی، افتخارات ملی و مذهبی، مؤلفه‌های تاریخی، آثار ماندگار و اسامی ایرانی و خرده‌فرهنگ‌ها. پژوهش پناهی‌توانا و معروفی (۱۳۹۵) نشان داد در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه بیشترین توجه به مفاخر ادبی و آثار ماندگار و اسامی ایرانی شده است؛ این دو مؤلفه در حدود ۷۴ درصد کل تأکیدها بر مؤلفه‌های مختلف فرهنگی را به خود اختصاص داده‌اند و چهار مؤلفه دیگر ۲۶ درصد میزان تأکیدها را در اختیار دارند و سهم خرده‌فرهنگ‌ها زیر ۱ درصد بود. این در حالی است که افزایش پابندی همه اقلیت‌ها با مؤلفه‌های هویت فرهنگی موجب گسترش وحدت ملی و فرهنگی می‌شود و باید به این مؤلفه‌ها در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی بیشتر توجه شود. در همین راستا، پژوهش حسن‌پور، شریعتمداری، نادری و سیف‌نراقی (۱۳۸۶) در نظرسنجی از ۱۰۰ مدرس علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی درباره سرفصل رشته آموزش ابتدایی در مقطع کاردانی و کارشناسی نشان داد برنامه تحصیلی فعلی مطلوب و آرمانی نیست. این نویسندگان پیشنهاد می‌کنند برنامه درسی باید به توسعه فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی و توسعه میراث فرهنگی بیشتر توجه کند. همچنین برنامه درسی باید بیش‌ازپیش به رویکرد چندفرهنگی بپردازد. افزون بر آشنایی با فرهنگ‌ها، ایجاد مصونیت ارزشی در شرایط هجوم فرهنگی غرب از یک‌سو و تحجر از سوی دیگر، ضروری معرفی شد.



ورود فرهنگ به عرصه آموزش و پرورش از جمله برنامه درسی که قلب نظام آموزشی است به این مهم انجامید که برنامه‌های درسی مجموعه‌ای از پویایی‌های درهم‌تنیده قلمداد شوند. برنامه‌های درسی همیشه منعکس‌کننده مجموعه‌ای از برنامه‌های آشکار و ارزش‌های فرهنگی‌اند. برنامه درسی را باید با توجه به بستر اجتماعی و زمینه فرهنگی که در آن اجرا می‌شود در نظر گرفت. پس لازم است برنامه‌ریزان درسی در همه مراحل برنامه‌ریزی به بافت و زمینه و به‌طورکلی فرهنگ (که دین بخش مهمی از آن است) توجه بیشتری کنند. مبانی اجتماعی برنامه درسی مشتمل بر هست‌هایی است که اصول حاکم بر فرایند برنامه‌ریزی درسی از آن استخراج می‌شوند. فرهنگ بدون تردید خمیرمایه اصلی آن را تشکیل می‌دهد و بر همه جنبه‌های این فرایند و عناصر حاکم بر برنامه تأثیر دارد. تفاوت‌های فرهنگی در بیشتر جوامع و الزام‌ها و ضرورت‌های پیش رو در مواجهه با این مقوله، برنامه‌ریزان آموزشی را واداشته است بیش از پیش به این مسئله توجه کنند زیرا آموزش در هر جامعه‌ای با فرهنگ ارتباطی تنگاتنگ و متقابل دارد. فرهنگ محصول آموزش قلمداد می‌شود و از سوی دیگر فرایند آموزش از نظام معنایی، ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه یعنی فرهنگ تلقی می‌شود. از این رو آموزش و پرورش در همه کشورها یکسان نیست و هر فرهنگی نظام آموزشی به متناسب خودش را ایجاد می‌کند. متمایز بودن نظام‌های آموزشی بر پایه تفاوت‌های فرهنگی به کشورها محدود نیست زیرا درون هر کشور نیز اقوام و ملیت‌های گوناگونی زندگی می‌کنند که هر یک ویژگی‌های فرهنگی خاص خودشان را دارند و این ویژگی‌ها بی‌تردید بر جریان تحصیل و موفقیت‌های بعدی تأثیر می‌گذارند. طراحی برنامه‌های درسی حساس به فرهنگ و پاسخگو به ویژگی‌های چندفرهنگی، از رسالت‌های نظام آموزشی است زیرا این گونه برنامه‌های درسی مفاهیم اساسی خود را از فرهنگ و اندیشه‌های غالب در هر جامعه می‌گیرند و در بستر فرهنگی و اجتماعی آن به بار می‌نشانند (آبتی و خوش‌دامن، ۱۳۹۱).

در رشته‌های مختلف از نظرگاه تخصصی به موضوع فرهنگ در آموزش نگریسته می‌شود. مثلاً در مطالعات برنامه درسی به مباحث مربوط به فرایندهای یادگیری و یاددهی و نقش فرهنگ در آن پرداخته می‌شود. جامعه‌شناسی به زمینه‌ها و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی آموزش توجه می‌کند و فلسفه به جنبه‌های مفهومی و معنایی آموزش در بستر فرهنگ توجه دارد. فرهنگ در مطالعات آموزش عالی اهمیت دارد و کنشگران و پژوهشگران این حوزه باید برای هر بحثی به پژوهش‌های فرهنگی مراجعه کنند تا بتوانند آموزش و تربیت را در بستر فرهنگ تبیین و توصیف کنند. در غیر این صورت این پژوهشگران

آشکارا تحلیل ناقص و نادرستی خواهند داشت. ما می‌توانیم همه موضوعات از جمله برنامه درسی را در چارچوب فرهنگی ببینیم. در این چارچوب فرهنگ به مثابه متغیر مستقلی نسبت به آموزش، دیده می‌شود. فعالیت‌های آموزشی همواره درون یک زمینه فرهنگی متشکل از باورها، ارزش‌ها، جهان‌بینی، هنجارها و آداب و رسوم صورت می‌گیرند و ضمناً آموزش، پیامدهایی برای فرهنگ دارد و می‌تواند مثلاً موجب ایستایی یا پویایی فرهنگ شود. از این‌رو برنامه درسی، آینه زمینه فرهنگی است. به هر رو، آموزش مستقل از جامعه و فرهنگ نیست. جمعی و اجتماعی بودن آموزش و یادگیری بیانگر این واقعیت است که آموزش پدیده‌ای فرهنگی است. اگر فرهنگ تعیین‌کننده رفتار اعضای خود است برنامه درسی نیز باید بر پایه مطالعه مستقیم از وضعیت فرهنگی بنا شود و هر فرهنگی نظام آموزشی خاص خود را تحقق و شکل بخشد (فاضلی، ۱۳۹۰).

رویکردهای گوناگونی در حوزه برنامه درسی وجود دارد که هر یک بر جنبه‌های متفاوتی از وجود انسان تأکید می‌کنند. در نظام آموزشی ایران عمدتاً بر حیطه شناختی فراگیران تأکید می‌شود اما برنامه‌های درسی دیگری را نیز می‌توان در نظر داشت مانند برنامه درسی قرآن‌بنیاد (ملکی، ۱۳۹۶) یا برنامه درسی معنوی (قاسم‌پور دهاقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰). برنامه درسی معنوی شامل عناصری است که بتواند نشانگرهای معنویت مورد تأیید قرآن را در انسان ایجاد کند. چنین برنامه‌ای تلفیقی است که هم با علایق، خواسته‌ها و نیازهای فراگیران در ارتباط است و هم مبانی نظری دینی را در برمی‌گیرد. رشد معنوی از طریق همه دروس آموزشگاهی (نه فقط درس خاصی مانند معارف دینی) میسر است. تربیت دینی به رشد معنوی افراد مرتبط است. تربیت دینی مستلزم ایجاد موقعیت‌هایی برای یادگیری اعمال و آموزه‌های دینی است، آموزه‌هایی که می‌توانند ماهیت بشر و جایگاه او در گیتی را برای افراد روشن کنند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تمرکز پژوهش حاضر بر عناصر فرهنگی - اسلامی در برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (مصوب ۱۳۹۱) است. اکنون ۱۰ سال از زمان تصویب برنامه درسی یادشده می‌گذارد و زمان آن رسیده است که در این برنامه تجدیدنظر شود. شاید یکی از مهم‌ترین سندها در زمینه آموزش روان‌شناسی در مقطع کارشناسی «دومین دستورالعمل انجمن روان‌شناسی امریکا برای آموزش رشته روان‌شناسی»^۱ باشد. در این «دستورالعمل» پنج هدف کلی برای آموزش رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی توصیف شده و برای هر هدف شاخص‌هایی برشمرده شده است. این

1. APA Guidelines for the Undergraduate Psychology Major 2.0

چارچوبِ انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۱۳)، در بردارنده چهار هدفِ مهارت - محور و یک هدفِ محتوا - محور است. فهرست دستورالعمل یادشده شامل موارد ذیل است: (۱) دانش پایه‌ای در روان‌شناسی^۱؛ (۲) جستجوگری علمی و تفکر نقادانه^۲؛ (۳) مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در جهان متنوع^۳؛ (۴) ارتباطات^۴؛ و (۵) تحول شغلی^۵.

یکی از مؤلفه‌های هدف دوم در دستورالعمل یادشده عبارت است از «گنجاندن عامل‌های اجتماعی - فرهنگی در جستجوگری علمی» که شاخص‌های آن عبارت‌اند از: (۱) بازشناسایی تأثیرهای نظام‌مند اجتماعی - فرهنگی، نظری و سوگیری‌های شخصی بر پژوهش و ارزیابی کردن کارآمدی پرداختن پژوهشگران به آن تأثیرها در پژوهش‌های روان‌شناختی؛ (۲) طراحی پژوهش‌هایی که به‌صورت کارآمد به اثرهای عامل‌های اجتماعی - فرهنگی می‌پردازند؛ (۳) ارزیابی و طراحی پژوهش‌ها با توجه به کنترل متغیرها در رفتار مرتبط با تفاوت‌های فردی و اجتماعی - فرهنگی که بتواند بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارد و (۴) ارزیابی تعمیم‌پذیری یافته‌های خاص بر پایه پارامترهای طراحی پژوهش (از جمله احتیاط در تعمیم نامناسب سازه‌های غربی). همچنین، طبق هدف سوم از دستورالعمل یادشده دانشجویان باید نگرش‌های اجتماعی و اخلاقی مسئولانه داشته باشند. این نگرش‌ها مبتنی بر دیدگاهی روان‌شناختی‌اند که جهان چندفرهنگی و متنوع را ارج می‌نهد. دانشجویان باید از لحاظ فرهنگی به‌گونه‌ای باکفایت شوند که هنگام مواجهه با افراد گوناگون، در محیط دانشگاه، جامعه، محل کار، یا در هر جای دیگری، بی‌تعصب و متین باشند. بنا بر این سند (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۲۰۱۳) یادگیری درباره فرهنگ باید نتیجه مهم یادگیری برای همه دانشجویان باشد.

همان‌طور که اشاره شد، هدف پژوهش حاضر بررسی عناصر فرهنگی - اسلامی در برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی است. در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوا استفاده شد و پژوهشگر قادر به پیش‌بینی همه مقولات تحلیل و چگونگی بیانشان پیش از گردآوری داده‌ها نیست. بنابراین پژوهش پیش رو فرضیه خاصی را پی نخواهند گرفت.

1. Knowledge Base in Psychology
2. Scientific Inquiry and Critical Thinking
3. Ethical and Social Responsibility in a Diverse World
4. Communication
5. Professional Development

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد. ابتدا مؤلفه‌های مرتبط با فرهنگ و اسلام از سرفصل دروس برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (مصوب سال ۱۳۹۱) استخراج شد. سپس این مؤلفه‌ها مقوله‌بندی شد. یکی از مهم‌ترین کاربردهای روش تحلیل محتوا آشکار نمودن مقاصد، تأکیدات و گرایش‌های افراد است. به‌طورکلی تحلیل پیام‌های زبانی، به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها و شیوه‌های درک و سازمان‌دهی جهان رهنمون می‌شود (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵). در تحلیل محتوا می‌توان از هر منبعی برای تحلیل سود برد و پژوهشگر قادر به پیش‌بینی همه مقولات تحلیل و چگونگی بیانشان پیش از گردآوری داده‌ها نیست. بنابراین پژوهش حاضر فرضیه خاصی را پی نخواهند گرفت. مراحل تحلیل محتوا شامل شناخت مسئله، ساخت پیکره، تدوین مقوله‌ها، انتخاب واحدهای تحلیل، شمارش و تفسیر است (جعفری هرندی و میرشاه‌جعفری، ۱۳۸۷)؛ بنابراین ابتدا با شناخت مسئله مقولات استخراج شد. سپس مقولات استخراج‌شده در صورت امکان تفسیر و با تکیه بر پیشینه پژوهشی و نظریه‌های مرتبط، توضیح داده شد.

یافته‌ها

برنامه درسی کارشناسی روان‌شناسی (مصوب سال ۱۳۹۱) از سال ۱۳۹۲ در دانشگاه‌های ایران اجرا می‌شود. از میان هدف‌های ۲۰ گانه این برنامه، موارد زیر به مسائل فرهنگی و اسلامی مربوط‌اند: ۱) تعمیق اعتقادات دینی و پرورش تفکر و مهارت‌های اندیشیدن بر اساس فرهنگ اسلامی؛ ۲) ارتقای شناخت و پرورش ارزش‌ها و اخلاقیات اسلامی؛ ۳) ارتقا و تعمیق خودشناسی دانشجویان بر اساس منابع دینی و اسلامی؛ ۴) آشنایی دانشجویان با آموزه‌های اسلامی و فرهنگ بومی در حوزه روان‌شناسی؛ ۵) پرورش زمینه‌های لازم برای فرضیه‌پردازی و پژوهش در حوزه روان‌شناسی بر اساس آموزه‌های اسلامی و فرهنگ بومی؛ ۶) افزایش توانایی تفکر نقادانه و مقایسه‌ای در مباحث روان‌شناسی بر پایه آموزه‌های اسلامی؛ ۷) آشنایی با تاریخچه و اندیشه‌های روان‌شناختی در فرهنگ اسلامی؛ ۸) آشنایی و کسب مهارت در تبیین مسائل بومی بر اساس یافته‌های روان‌شناسی.

برنامه درسی کارشناسی روان‌شناسی مشتمل بر ۱۳۸ واحد و ۶۹ درس اختیاری، تخصصی و اصلی/پایه است. از میان این دروس، مسائل فرهنگی/اسلامی در عنوان سه درس (روان‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث ۱ و آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث ۲) قابل مشاهده است. در تحلیل عمیق‌تر، سرفصل تک‌تک دروس ۶۹ گانه

به‌منظور یافتن عناصر فرهنگی - اسلامی بررسی شد. در این سطح از بررسی، معلوم شد که کم‌تر از نیمی (۴۶/۳۷ درصد) از این دروس (۳۲ درس از مجموع ۶۹ درس) حاوی دست‌کم یک مورد محتوای مرتبط با فرهنگ/اسلام است (جدول ۱). سرفصل درس «روان‌شناسی شخصیت» که از مهم‌ترین شاخه‌های روان‌شناسی است بیشترین مؤلفه فرهنگی را در خود جای داده است.

جدول ۱: عناصر فرهنگی - اسلامی در سرفصل دروس رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (مصوب سال ۱۳۹۱)

عنوان درس	محتوای مرتبط با فرهنگ / اسلام در سرفصل
۱	مباحث اساسی در روان‌شناسی ۱ (۱) انگیزش و هیجان در منابع اسلامی (۲) نقش فرهنگ در شکل‌گیری و بروز هیجان
۲	مباحث اساسی در روان‌شناسی ۲ (۱) مطابقت‌های فرهنگی در موضوع خرد و عقل، روان‌شناسی اجتماعی و سلامت روان (۲) روان‌شناسی اجتماعی: مطابقت‌های فرهنگی (۳) درمان‌های مبتنی بر فرهنگ اسلامی
۳	روان‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان
۴	هم‌نمایی نظریه‌ها و موضوع‌ها و مطابقت فرهنگی آن‌ها
۵	روان‌شناسی تحولی ۲ (۱) نظریه‌های انسان‌نگری: مطابقت‌های فرهنگی (۲) نظریه‌های روان‌تحلیل‌گری: مطابقت‌های فرهنگی (۳) نظریه‌های رفتاری: مطابقت‌های فرهنگی (۴) روان‌شناسی نیروی چهارم - نظریه‌های شرقی: مطابقت‌های فرهنگی (۵) نظریه‌های شناختی: مطابقت‌های فرهنگی (۶) نظریه‌های صفات: مطابقت‌های فرهنگی (۷) بنیان‌های فرهنگی شخصیت (۸) شخصیت و زندگی روزمره (فرهنگ)
۶	فلسفه علم روان‌شناسی
۷	روان‌شناسی اجتماعی (۱) رفتارهای حمایتی در منابع اسلامی (۲) دیدگاه اسلام در حوزه پرخاشگری (۳) مقابله با پیش‌داوری در تعالیم اسلام
۸	روان‌شناسی یادگیری
۹	روان‌شناسی تربیتی
۱۰	آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن (۱) انواع آسیب‌های روانی در قرآن (۲) انواع یادگیری در قرآن (۳) شاکله و حدیث ۱
۱۱	آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن فرهنگ اجتماعی و حدیث ۲
۱۲	آسیب‌شناسی روانی ۱ نابهنجاری از دیدگاه اسلام
۱۳	مبانی راهنمایی و مشاوره (۱) راهنمایی و مشاوره تطبیقی در ایران و سایر کشورهای مهم دنیا (۲) مشاوره در سازمان‌های مختلف ایران (۳) تاریخچه راهنمایی و مشاوره در ایران و جهان
۱۴	روان‌شناسی سلامت عوامل مؤثر بر سلامتی (عوامل فرهنگی)
۱۵	روان‌شناسی و مشاوره خانواده (۱) تحولات خانواده در ایران و غرب (۲) فرهنگ ازدواج و خانواده در ایران

عنوان درس	محتوای مرتبط با فرهنگ / اسلام در سرفصل
۱۶	نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی (۱) بررسی زمینه‌های تطبیقی فرهنگی و مفهوم‌یابی بومی نظریه‌ها (۲) آموزه‌های اسلامی در مشاوره و روان‌درمانی
۱۷	فنون مشاوره و روان‌درمانی تمرین‌های متناظر فرهنگی
۱۸	راهنمایی و مشاوره تحصیلی و تاریخچه راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی در ایران و جهان شغلی
۱۹	روانشناسی اجتماعی کاربردی نگرش و تغییر نگرش در بستر فرهنگی
۲۰	آسیب‌شناسی اجتماعی (۱) آسیب‌شناسی از دیدگاه دانشمندان اسلام (۲) هم‌نویی و کج‌روی از دید پیامبر اسلام و حضرت علی (علیه السلام) رفتارشناسی کج‌روان از دیدگاه قرآن
۲۱	روانشناسی صنعتی و سازمانی (۱) رهبری از دیدگاه اسلام (۲) تاریخچه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی در دنیا و ایران
۲۲	روانشناسی کودکان با نیازهای دیدگاه اسلام در رابطه با افراد با نیازهای ویژه ویژه ۱
۲۳	روانشناسی جنسیت (۱) تفاوت زن و مرد در فرهنگ اسلامی (۲) زمینه‌های فرهنگی بومی تفاوت زن و مرد (۳) تبیین تفاوت‌ها بر اساس فرهنگ (۴) هماهنگی و ناهماهنگی نظریه‌های روان‌شناختی با فرهنگ بومی - مذهبی (۵) هماهنگی و ناهماهنگی یافته‌های علمی و فرهنگ بومی - مذهبی
۲۴	روانشناسی سالمندی دیدگاه اسلام درباره سالمندی
۲۵	مدیریت استرس (تئیدگی) زمینه‌های بومی ایجاد و مفهوم‌سازی تئیدگی
۲۶	روانشناسی اعتیاد تاریخچه و سیمای مصرف مواد در ایران و جهان
۲۷	روانشناسی رفتار مصرف‌کننده (۱) رفتار مصرف‌کننده بین‌فرهنگی (۲) نفوذ فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها در رفتار مصرف‌کننده
۲۸	روانشناسی کار و مدیریت لزوم شناخت فرهنگ جامعه در اداره سازمان
۲۹	کلیات روان‌پزشکی تاریخچه روان‌پزشکی ایران و جهان
۳۰	روانشناسی تبلیغات و رسانه شخصیت، فرهنگ و ارتباطات
۳۱	روانشناسی اخلاق اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام
۳۲	روانشناسی نظامی (۱) روان‌شناسی جنگ تحمیلی و دفاع مقدس (۲) ویژگی‌های روان‌شناختی دفاع مقدس

مؤلفه‌های فرهنگی - اسلامی در ۳۲ سرفصل موجود در جدول ۱ مجموعاً ۶۶ مورد است که می‌توان آن‌ها را در مقوله‌هایی دسته‌بندی کرد. این مقوله‌ها به ترتیب فراوانی مؤلفه‌هایشان عبارت‌اند از فرهنگی (۳۹/۳۹ درصد کل مؤلفه‌ها)، اسلامی (۳۰/۳۰ درصد)، ایران (۱۶/۶۶ درصد)، بومی (۷/۵۷ درصد) و اندیشمندان مسلمان (۳/۰۳ درصد). مقوله آخر را می‌توان در مقوله «اسلامی» نیز گنجانند. در این صورت مقوله اسلامی در بر دارنده ۳۳/۳۳ درصد مؤلفه‌های فرهنگی - اسلامی خواهد بود (جدول ۲).

جدول ۲: دسته‌بندی عناصر مرتبط با فرهنگ در برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (مصوب سال ۱۳۹۱)

مقوله‌ها (فراوانی)				
فرهنگی (۲۸)	اسلامی (۲۰)	ایران (۱۱)	بومی (۵)	اندیشمندان مسلمان (۲)
فرهنگ (۱۱)	دیدگاه اسلام (۷)	در ایران و جهان (۴)	فرهنگ بومی - مذهبی (۲)	در منابع اندیشمندان مسلمان
مطابقت‌های فرهنگی (۱۰)	در قرآن (۳)	جنگ تحمیلی و دفاع مقدس (۲)	مفهوم‌یابی بومی نظریه‌ها	از دیدگاه اندیشمندان اسلام
بنیان‌های فرهنگی	در منابع اسلامی (۲)	در ایران و سایر کشورهای مهم دنیا	زمینه‌های فرهنگی بومی	
عوامل فرهنگی	فرهنگ اسلامی (۲)	در سازمان‌های مختلف ایران	زمینه‌های بومی	
تمرین‌های متناظر فرهنگی	شاکله	در ایران و غرب		
بستر فرهنگی	آموزه‌های اسلامی	در ایران		
زمینه‌های فرهنگی	از دید پیامبر اسلام	در دنیا و ایران		
بین‌فرهنگی	از دید حضرت علی <small>علیه السلام</small>			
خرده‌فرهنگ‌ها	در تعالیم اسلام			
	در فلسفه اسلامی			

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش و تعلیم در روان‌شناسی حرفه‌ای تاریخچه‌ای غنی دارد که به آغاز قرن بیستم بازمی‌گردد؛ زمانی که روان‌شناسان شاغل در زمینه‌های کاربردی گوناگون مانند صنعت، آموزش و پرورش و سلامت، نیاز به بیان روشن هنجارهای تعلیم را برای حرفه روان‌شناسی، که در حال شکوفایی شدن بود، دریافتند (جانسن^۱ و کاسلو^۲، ۲۰۱۴). در اوایل قرن بیستم، روان‌شناسی هیچ دستورالعمل آموزشی استاندارد را ارائه نمی‌کرد و آموزش روان‌شناسان عمدتاً بی‌قاعده و غیررسمی بود. تحولات رسمی در آموزش و تعلیم روان‌شناسان حرفه‌ای در خلال و بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم سرعت یافت (کوئین^۳ و بیکر^۴، ۲۰۱۴). مدرسان روان‌شناسی، خواه بر تدریس و خواه بر پژوهش، کاربست، یا هر نوع ترکیبی از این‌ها تمرکز کنند، فرصت دارند تا بر نگرش و تجربه دانشجویان روان‌شناسی تأثیر بگذارند. مدرسان روان‌شناسی، به منظور آموزش دادن روان‌شناسی و فراهم آوردن منافع فکری و حرفه‌ای رشته برای دانشجویان، باید چارچوبی را برای فعالیت‌هایشان اتخاذ کنند. برای نمونه، انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۱۳) «دستورالعمل آموزش رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی» را فراهم کرده است. در ایران برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (مصوب سال ۱۳۹۱) یکی از مهم‌ترین اسنادها در زمینه آموزش روان‌شناسی (دست‌کم در مقطع کارشناسی) است. از این‌رو بررسی محتوایی و ساختاری آن اهمیت دارد.

1. Johnson, W. B

2. Kaslow, N. J

3. Cautin, R. L

4. Baker, D. B

طراحان این سند یا برنامه درسی به درستی اذعان می‌کنند که علوم انسانی به‌مثابه مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری است. در روان‌شناسی، شاهد مواردی از عدم انطباق فرهنگی و نادیده گرفتن متغیرهای فرهنگی هستیم. برنامه‌ریزان، تحول مثبت در روان‌شناسی را دارای سه راهبرد غنی‌سازی، بومی‌سازی و ارزش‌مداری می‌دانند. منظور از بومی‌سازی، سازگاری، تناسب و هماهنگی دانش روان‌شناسی با فرهنگ، تمدن و جامعه ایران است. منظور از ارزش‌مداری، اسلامی‌سازی است. مباحثی از روان‌شناسی که در تضاد آشکار با مبانی ارزشی اسلام‌اند باید اصلاح یا نقد شوند و ضمناً با توجه به ظرفیت‌های علمی و حیاتی منابع اسلامی، استفاده از آن‌ها در متون و منابع روان‌شناسی ضروری می‌نماید.

طراحان برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (مصوب سال ۱۳۹۱) شاید بیش از هر برنامه درسی دیگری در روان‌شناسی به مسائل فرهنگی - اسلامی توجه کرده‌اند. گرچه، توجه آنان کم‌تر به استخراج مفاهیم فرهنگی - اسلامی معطوف شد و در صورتی‌ترین شکل ممکن فقط واژه‌های اسلامی، اسلام، فرهنگ و فرهنگی در سرفصل دروس یادشده تکرار شده است. افزون بر این، جای خالی نظریه‌پردازان ایرانی معاصر، نظریه‌های پژوهشگران ایرانی معاصر، ابزارهای روان‌سنجی ساخته‌شده توسط ایرانیان و مواردی از این دست احساس می‌شود. طراحان این برنامه درسی که آشکارا دغدغه امور فرهنگی را داشتند از گنجاندن مهم‌ترین عنوان درسی مرتبط با فرهنگ، یعنی روان‌شناسی فرهنگی، غفلت کرده‌اند. عنوان درسی روان‌شناسی فرهنگی را تا زمان نگارش این سطور، فقط در برنامه درسی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اجتماعی (مصوب سال ۱۳۹۸) می‌توان یافت. علت این غفلت شاید فقدان منابع مرتبط در زمان تنظیم این برنامه بوده است. نویسنده این سطور، طراحان برنامه درسی بعدی برای روان‌شناسی در مقطع کارشناسی را قویاً به گنجاندن عنوان درسی روان‌شناسی فرهنگی ترغیب می‌کند.

بررسی حاضر نشان داد که طراحان برنامه درسی کارشناسی رشته روان‌شناسی، در زمینه روان‌شناسی اسلامی سه درس در این برنامه درسی کنونی گنجانده‌اند؛ اما طراحان این برنامه با هر ملاحظه‌ای (که درباره آن فقط می‌توان گمانه‌زنی کرد) مایل نبوده‌اند نام «اسلامی» را به روان‌شناسی ملحق کنند و به‌عبارت‌دیگر درسی را معرفی کنند که «اسلامی» صفت آن است و شاید از روی احتیاط علمی نام‌های دیگری را برگزیدند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۹ برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی اسلامی به تصویب وزارت علوم رسید و پیش از آن

برنامه درسی روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا در سال ۱۳۸۹ مصوب شده بود. در برنامه درسی دکترای روان‌شناسی نظامی (مصوب ۱۳۸۸ وزارت بهداشت) نیز درسی به نام روان‌شناسی اسلامی گنجانده شده است. به هر رو، با اینکه نام روان‌شناسی اسلامی در میان ۶۹ درس برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی نیست، محتوای روان‌شناسی اسلامی را می‌توان در سه درس یافت: «روان‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان»، «آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث ۱» و «آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث ۲». گرچه، درس اول از این سه، ممکن است رویکرد تاریخی به روان‌شناسی اسلامی داشته باشد یا حتی به تاریخ روان‌شناسی نزدیک‌تر باشد تا هر عنوان درسی دیگری (از جمله روان‌شناسی اسلامی). شایان‌ذکر است که طراحان این برنامه در آغاز، عنوان درس دوم و سوم را این‌گونه تعیین کرده بودند: «آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن» و «آموزه‌های روان‌شناختی در حدیث». گویی می‌توان هنگام تأسیس یک علم روان‌شناختی مبتنی بر اسلام بین قرآن و سنت یا احادیث به‌راحتی تفکیک گذاشت. دیری نپایید که طراحان این برنامه درسی پس از تصویب و ابلاغ این برنامه به‌درستی به جداناپذیری این دو رکن مهم اسلام اذعان نمودند و عنوان دو درس را به شکل فعلی اصلاح کردند.

تربیت نیروی انسانی در رشته‌های روان‌شناختی باید به تأمین، حفظ و ارتقای سلامت روانی افراد بیانجامد. به‌کارگیری شیوه آموزشی مطلوب، فضای مناسب، تأمین مواد و ابزارهای موردنیاز می‌تواند تضمین‌کننده این هدف باشد. استفاده از نظر دانش‌آموختگان و اساتید، از روش‌های ارزیابی و بازخورد در بررسی برنامه‌های درسی است. در پژوهش‌های پیشین عمدتاً یک درس، یک سرفصل و یک (تا سه) برنامه درسی از رشته‌ای خاص بررسی شده‌اند و عملاً پژوهشی به بررسی جامع عناصر فرهنگی - اسلامی در برنامه‌های درسی نپرداخته است. برنامه درسی جوهره فعالیت آموزشی و یکی از عناصر مهم ارتقای کیفیت آموزش عالی و تناسب دانش و مهارت دانش‌آموختگان با توجه به دستاوردهای علمی و نیازهای بازار کار است. از این رو، بازنگری مداوم در برنامه‌های درسی و به‌روزرسانی آن‌ها موجب ایفای رسالت اصلی آموزش عالی در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه، غنابخشی به دانش و فرهنگ، تربیت نیروی متخصص موردنیاز، تسریع فرایند توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و برقراری ارتباط متقابل دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها با سایر بخش‌های علمی، صنعتی، اقتصادی و خدماتی می‌شود. پژوهش حاضر درصدد انجام یک پژوهش جامع روی همه برنامه‌های درسی روان‌شناختی در ایران و بررسی

عناصر فرهنگی - اسلامی در برنامه‌های درسی روان‌شناسی مصوب و در حال اجرا در وزارت علوم و وزارت بهداشت (در مقاطع کارشناسی و بالاتر از آن) نبود. پژوهش حاضر بر برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (مصوب سال ۱۳۹۱) مبتنی است؛ و از میان عناصر برنامه درسی مذکور عمدتاً بر «سرفصل» دروس یادشده تکیه شد. شایسته است پژوهش‌های آینده به بررسی برنامه‌های درسی سایر مقاطع روان‌شناسی بپردازند. در حال حاضر بیش از ۵۰ برنامه درسی متنوع در رشته‌های روان‌شناختی در مقاطع کارشناسی و بالاتر در وزارت علوم و بهداشت در حال اجرا است. بررسی جامع این برنامه‌های درسی که برخی‌شان از دهه ۱۳۶۰ تاکنون فعال بوده‌اند تصویری کلی از وضعیت آموزش روان‌شناسی در ایران در طول چهار دهه فراهم خواهد آورد.

فهرست منابع

- آقابابائی، ناصر (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر تفکر نقادانه و آموزش آن. تهران: سمت.
- آیتی، محسن و خوش‌دامن، صدیقه (۱۳۹۱). فرهنگ، برنامه درسی و سبک‌های تدریس و یادگیری. مطالعات برنامه درسی ایران، ۲۶، ۱۴۹ - ۱۷۲.
- پناهی توانا، صادق و معروفی، یحیی (۱۳۹۵). جایگاه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی (تحلیل محتوا). پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۵۰، ۸۹ - ۱۰۱.
- جعفری هرنودی، رضا؛ نصر، احمدرضا و میرشاه‌جعفری، سیدابراهیم (۱۳۸۷). تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی، با تأکید بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۵۵، ۳۳ - ۵۸.
- حسن‌پور، محمد؛ شریعتمداری، علی؛ نادری، عزت‌الله و سیف‌نراقی، مریم (۱۳۸۶). نگرش استادان علوم تربیتی به سرفصل برنامه‌های تحصیلی رشته‌کاردانی و کارشناسی آموزش ابتدایی در آموزش عالی ایران. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۱۵، ۹۵ - ۱۱۸.
- رضایی، احمد؛ منصوری بککی، سیروس و عابدینی بلترک، میمنت (۱۳۹۰). جایگاه برنامه‌های درسی دانشگاهی در تقویت هویت ملی دانشجویان. مطالعات ملی، ۴۵، ۵۳ - ۷۱.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۰). چشم‌اندازی فرهنگی به آموزش، برنامه درسی و یادگیری. مطالعات برنامه درسی ایران، ۲۲، ۷ - ۲۸.
- قاندی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. روش‌های و مدل‌های روان‌شناختی، ۲۳، ۵۷ - ۸۲.



قاسم‌پور دهاقانی، علی و نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۹۰). رویکرد معنوی و برنامه‌ریزی درسی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳، ۷۱ - ۹۲.

ملکی، حسن (۱۳۹۶). هویت دینی برنامه درسی: جستاری در نظریه اسلامی برنامه درسی. تهران: آبیژ.

مؤمنی مهمویی، محسن (۱۳۸۸). ارزشیابی برنامه درسی در آموزش عالی. راهبردهای آموزش، ۲(۲)، ۷۱ - ۷۷.

American Psychological Association. (2013). APA guidelines for the undergraduate psychology major: Version 2.0. Retrieved from <http://www.apa.org/ed/precollege/undergrad/index.aspx>

Cautin, R. L., & Baker, D. B. (2014). A history of education and training in professional psychology. In W. B. Johnson, & N. J. Kaslow (Eds.), *The Oxford handbook of education and training in professional psychology* (pp. 17 - 32). Oxford University Press.

Johnson, W. B., & Kaslow, N. J. (2014). On developing professional psychologists: The state of the art and a look ahead. In W. B. Johnson, & N. J. Kaslow (Eds.), *The Oxford handbook of education and training in professional psychology* (pp. 1 - 13). Oxford University Press.

